

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۶ جولای ۲۰۱۲

خلقت از دیدگاه ادیان ابراهیمی

بخش سوم

مذهبیون و اربابان خرافه برای حفظ سرمایه در ممالک استعماری سعی و تلاش دارند تا از تدریس تیوری تکامل داروین در مدرسه‌ها و پوهنتونها و دانشگاه‌ها جلو گیری کنند و کوشش می کنند به مؤولین آموزشی بقبولانند که در کنار آموزش تدریس تکامل به تدریس و آموزش به اصطلاح **آفرینش هوشمند** نیز بپر دازند که چیزی نیست جز همان اصول آفرینش و خلق آدم و حوای کتاب‌های مذهبی؟؟.....

مسلمانان می‌خواهند زندگی طبیعی بشری را بر قواعد الهی و سنت محمد بنا کنند و این واضح است که قرآن تغییر ناپذیر پاسخگوی نیاز و احتیاجات تغییر یابنده انسانها در ابتدای بروز اسلام نبوده و حالا که ۱۴۰۰ سال از آن تاریخ می‌گذرد و سطح دانش و عمل‌کرد مردم گیتی به پیمانۀ دیگر و دور از حدود افکار قدیمه است نمی‌تواند جوابگو باشد به همین لحاظ است که پیروان اسلام سعی بر این دارند تا کم و کاستی‌های قرآنی را در احادیث محمد تکمیل نمایند در حالی که خود این احادیث پر از مشکلات و جنجال‌هایی است که بشریت را نه تنها در رسیدن به آرزوهای انسانی اش کمک نمی‌کند بلکه لگد مال کننده هر چه افکار روشن و انسانی است می‌باشد و این اعمال مسلمانان قاعدتاً بر مبنای عمل‌کرد محمد و اصحاب محمد است فلذا می‌تواند منحنیث سنت محمدی مورد قبول و پیروی شان گردد و این که صحابه کرام در پهلوی محمد نشسته و از محتویات ار شادات دین مبین اسلام بهره مند شده‌اند باعث می‌شد تا رهروان اسلام به اتکاء به آن عمل‌کرد ها خود را عیار نمایند و همچنین باید بعد از مرگ صحابه اولی مسلمانان پرهیز کار باید به اصحاب صحابه (تابعین) رجوع می‌کردند و به این ترتیب پیروی از سنت نسل اندر نسل طول کشید و این یک سلسله زنجیره ئی بود که در مخالفت با اهل تشیع رشد و تکامل نمود و می‌توان از کسان و گروه‌های ارتجاعی و دنباله روان شیخک‌های عربی یاد آوری نمود که آنها زیر نام (باز گشت به قرآن) بر نامه‌های طویل و فر بینده ای با استدلالات جدید و نو گرائی‌هایی دارند و دلیل این که چرا چنین پدیده‌ای به وجود آمده آن را می‌توان در طرح‌های قدرت مند های استعماری جهانی و اندیشه عقب مانده قرون وسطایی قرآن که هیچ نوع مطابقت نسبی حد اقل با علم و دانش امروزی هم ندارد و می‌توان ادعا نمود که شر مساری و

خجالت اسلام است جست و جو نمود!! که متأسفانه تعداد زیادی از پیروان اسلام مخصوصاً هموطنان شریف ما همچنان بدون تفکر و با مغز های منجمد از آن پیروی نموده و می نمایند . آن‌ها ادعا دارند آنچه ما می گوئیم و از قرآن می کنیم اصل و صحت دارد و احادیثی که با قرآن در مغایرت قرار دارد آن احادیث صحت ندارد؟؟ یعنی چه؟؟ بعضی از احادیث غلط اند؟؟ یعنی احادیثی که نتواند به نفع آن‌ها چیزی را تشریح نماید و یا در جهت مخالفت طرح های علوم و دانش بشری گفته نشده باشد همه و تماماً غلط است!!!! این بیچاره ها فرق خوب و بد را نمی دانند و فقط در جهت خوشنودی با داران غربی و همچنان سعودی و ایران گام بر می دارند و برای نجات خود و مفکوره اسلامی شان به هر حيله و نیرنگی متصل می‌شوند و مثل که محمد عملاً در آیات قرآنی تغییراتی آورده و هدایتی مشخصی در مورد موضوع مشخصی را اشتباهاً چند بار تکرار نموده آن را به نام ناسخ و منسوخ طرح داشته‌اند که نشان‌دهنده عدم انسجام فکری خدای واحد و یا محمد را در امور اداره وضع نا بسامان مردم کره زمین نشان می دهد و خواسته اند اشتباهی را که در صدور آیتی مرتکب شده است با صدور آیتی دیگر تصحیح بدارد و امروز روی همین انگیزه فتواگران مقلد (یعنی دنباله روان شیوخ عرب) بعد از ۱۴۰۰ سال می دانند (و روی ایجاب منافع باید بدانند) کدام حدیث راست و کدام حدیث غلط است . به هر صورت سنت محمد نمی تواند به عنوان موثق ترین تعبیر قرآنی و دین الهی پاسخگوی احتیاجات انسانی باشد وقتی قرآن نتواند کسی را – ارادتمندی را – اجتماعی را – ملتی را و جامعه های انسانی را به طرف زیست باهمی و ایجاد جامعه انسانی و زندگی بهتر خارج از استثمار فرد از فرد رهنمائی کند به یقین می توان گفت که پیروان اهل سنت و ادامه دهندگان شریعت ناب محمدی و یا دنباله روان علی و امام نمی تواند مشکل‌گشا باشند !!

چون صحبت ما روی خلقت از دیدگاه ادیان است بهتر است به طرح ادیان در مورد خلقت و همچنان به کتبی که می گویند آسمانی است نگریسته و از نوشته متن کتابها مسأله را نظر اندازی، تجزیه و تحلیل نمائیم تا ببینیم که ادیان تا کدام اندازه در رهنمائی و یا گمراهی بشر رول داشته و مستقیم و یا غیر مستقیم باعث و مانع تحولات و پیشرفت های اجتماعی و سیر انکشافی اذهان مردم گردیده است و بد بختی بزرگتر این است که در این قرن ۲۱ با این همه پیشرفت علم و معرفت و تکامل بشری هنوز هم یک تعداد کند مغزان و ناآگاهان از علم ، روی ملحوظات خاص به نفع استعمار جهانی در شرح و بسط این مفکوره های عقب مانده تلاش داشته و تا آنجا که توان و قدرت دارند به تبلیغ این خرافات سعی می ورزند.

از این که اکثر موضوعات مطرح شده ادیان ابراهیمی کپی شده و نقل قولی غیر مستقیم از ادیان غیر ابراهیمی می باشد لازم افتاده تا در بعضی موارد به طرح های آن ادیان هم توجهی مبذول داریم . تا از طرفی روشنگری در باره نظریه پردازی مجموع ادیان در مورد خلقت باشد و هم ادیان ابراهیمی که موضوعات خاصی را مخصوصاً خلقت کائنات و آدم را با سفسطه گوئی و افسانه گوئی ها و پشت هم نمودن کلمات عربی طرح می نماید، روشن شود.
می رویم ببینیم **افرینش در دین زرتشت چگونه است** . اشو زرتشت می گوید :

اهورا مزدا جهان را در شش هنگام آفرید که در یک سال یعنی ۳۶۵ روز واقع شده است و آن شش وقت را شش گاهانبار یا گهنبار می نامند به شرح زیر :

- ۱- میدیوزرم – در این هنگام خداوند آسمان و کهکشان و ستاره گان را آفریده است
- ۲- مید یوشم : که در صدو پنجمین روز سال یعنی از یازدهم سرطان که خورشید روز است شروع و در پانزدهمین همین ماه خاتمه می‌یابد در این هنگام آب‌های جهان آفریده شده است.
- ۳: پیتی شهیم: در یکصد و هشتادمین روز سال است. در این ایام اهورا مزدا زمین را آفریده است.

۴- ایاترم : که دو صدو ده روز پس از آغاز سال است . در این ایام خداوند گیاهان و اشجار را آفرید .

۵- مید یارم . در دو صدو نود روز از سال گذشته است . در این ماه جانوران آفریده شده .

۶- همس پت مدم در سه صدو شصت و پنجمین روز سال است که خداوند در این ایام انسان را آفرید .

پس کیو مرث را از گل سرشت و از روح خود در او دمید و نامش را کیو مرث اولین بشر در روی زمین نامید (این کیومرث اولین پادشاه پیش دادی نیست) بلکه نخستین آفریده اهورا مزدا است ولی برای او جفتی نیافرید ولی هنگام مرگ وی از پشت او نطفه‌ای خارج شد که به واسطه پرتو خورشید تصفیه و در دل خاک محفوظ ماند . پس از چهل سال از آن نطفه گیاهی به شکل دو ساقه ای ریاس پیچیده در ماه مهر [میزان] و روز مهر که هنگام جشن مهرگان است از زمین روئید . پس از رشد و نمو از شکل نباتی به صورت دو انسان تبدیل یافتند که در قامت و چهره شبیه یکدیگر بودند (کتاب بندهش این موضوع را تأیید می نماید و نیز کتاب و نیکرد در کتاب هفتم چگونگی این آفرینش را شرح می دهد) این دو انسان یکی نر بود و دیگری ماده .

از سه قرن به اینطرف افسانه آفرینش نقطه ضعف در ادیان ابراهیمی بوده و هر سه دین در نقطه مقابل دانش بشر قرار گرفته اند چون هر قدمی که در راه شناسائی واقعیت‌های جهان به ار تباط کره زمین، منظومه شمسی، کهکشانیها و خورشیدها و..... بر داشته شده است و کشف های جدیدی که در باره باکتری های نخستین تا به عصر امروزی انسانی شده است افسانه آفرینش شش روزه و یا هشت روزه جهان و کائنات مطروحه ادیان ابراهیمی را از اعتبار انداخته است . نسل آگاه و بادانش با در نظر داشت همین پیشرفت های علمی هنوز هم در سفر پیدایش بخش اول تورات چگونگی پیدایش جهان را که چنین آمده است میخوانند:

آن روز یکشنبه بود : ابتداء خدا زمین و آسمانها را آفرید و زمین تهی و بایر بود و تاریکی سطح آنها را فرو گرفت و خدا گفت روشنائی شود و شد - و خدا روشنائی را از تاریکی جدا ساخت و روشنائی را روز و تاریکی را شب نامید در روز دوم که دو شنبه بود : خدا گفت فلکی باشد در میان آنها و آنها را از آنها جدا کند و چنین شد و خدا فلک را آسمان نامید . در روز سوم . سه شنبه بود : خدا گفت آنها در زیر آسمان در یک جا جمع شوند و خشکی ظاهر گردد و خدا خشکی را زمین نامید و آنها را دریا . و خدا گفت زمین نباتات برویاند . روز چهارم . چهار شنبه بود: خدا گفت تیر ها در فلک آسمان باشد تا روز را از شب جدا کند ... خدا دو تیر بزرگ ساخت. تیر اعظم (خورشید) را برای سلطنت روز و تیر اصغر (ماه) را برای سلطنت شب . روز پنجم . پنجشنبه بود : خدا گفت آنها به انبوه جانوران پر شود و پرندگان بالای زمین بر روی فلک آسمان پرواز کنند . روز ششم . جمعه بود : خدا گفت زمین جانوران را موافق اجناس آنها بیرون آورد و خدا گفت آدم را به صورت ماه و موافق شبیه ماه بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و تمام زمین و حشراتی که بر زمین می خزند حکومت نماید و روز هفتم شنبه بود : خدا از کار های خود فارغ می شود و این روز را مبارک و میمون می خواند و استراحت می کند. این بود خلاصه پیدایش همه چیز در یک دین آسمانی !!!! که مسلمانها مجبور اند به این کتاب و این نوشته ها ایمان داشته باشند؟

نظریه یهودان بر مبنای تورات راجع به خلقت کائنات (که می توان آن را خلقت آسان و بی درد سر نامید) اختصارا آورده شد .

خاخام های یهود بر این عقیده اند که هفت آسمان است . سه آسمان هیولائی (یا جسمانی) است و چهار آسمان روحانی می باشد که ملائکه و مقدسین در آنجا ساکن اند

در تقویم رسمی یهود سال کنونی سال ۵۷۶۱ از خلقت دنیا است و روز هفت اکتوبر آفرینش جهان . از این ۵۷۶۱

سال ۱۰۵۶ سال فاصله میان آدم و نوح ۸۹۲ سال فاصله میان نوح و ابراهیم ۱۸۱۲ سال فاصله میان ابراهیم و عیسی است. و طبق روایات مذهبی یهود خاکی که آدم با آن سرشته شده از **محل آینده** (؟؟؟؟) معبد سلیمان در اورشلیم بر داشته شده است. در تقابل با دانش و علم امروزی پیروان تورات و انجیل چون در دفاع از اسطوره خلقت شش روزه جهان عاجز آمدند اجباراً برای برائت دادن به خود از مغالطه کار گرفته و نظریات دیگری ارایه شد که روز های بیبلیک (توراتی) را نباید روز های معمولی حساب نمود بلکه هر کدام آن‌ها را معادل چند صد هزار سال باید حساب نمود ولی گذشته از این که خود کلیسا این تفسیر را رسماً رد نمود و چنین برداشتی که طوفان نوح به جای چهل روز چندین هزار سال ادامه داشته باشد و موسی به جای ۱۲۰ سال چند میلیون سال عمر کرده باشد.....و غلط و اشتباه وانمود ساختند البته نه اشتباهی عادی؟؟ بلکه به آن اشتباه مقدس نام گذاشتند؟؟؟؟ در این مبحث باید اضافه نمود از آنجا که فوسیل های کشف شده و پیشرفت علم زیست شناسی و علم فزیک بیچاره های بی مغزی را که خود را پیشقراولان ادیان می دانند دچار سر گیجه ساخته و بنیاد فکری هزاران ساله شان را به لرزه در آورده است تازه ها شروع نمودند، که تشریح دارند: قبل از خلقت آدم و نسل امروزی بشر موجوداتی دیگر سالها و قرن‌ها پیشتر از آدم خلق شده و در همین روی کره زمین حیات به سر برده‌اند!!!!!! العجب به این دیده درائی؟؟؟؟

در اساطیر بابلی از خلقت عالم در هفت روز نام برده شده است که شرح مربوط به هر روز از آن بر روی لوحه ای از الواح هفتگانه کوشهای باستان شناسی کتابخانه اشورینی بعل در نینوا ثبت شده است. به تذکر «بوترو» متفکران مذهب یهود برای پی ریزی اسطوره الهی آفرینش غالباً مجموعی از معتقدات تمدنهای قبلی را در باره مسایل ماوراءالطبیعه با هم در آمیختند و همه آن معتقدات را در مسیر ایدئولوژی دینی خاص خود شان دست کاری کردند و به همین دلیل است که متن رسمی کنونی کتاب مقدس از حماسه آفرینش بابلی مایه گرفت. در بابل سال به ۱۲ ماه - ۳۶۰ روز تقسیم می شد و آغاز آن بهار بود و این ۱۲ ماه به اساس قمری نه شمسی تعیین می گردید. بر اساس متون اولیه تورات آفرینش زمین و آسمان در هشت روز انجام گرفته است نه در شش روز. فقط خاخام ها نویسندگان تورات کنونی معروف به تورات کاهنان لازم دانستند خدا در روز هفتم آفرینش استراحت کند تا به رخصتی روز شنبه یهودی‌ها جنبه ماوراءالطبیعی و کائناتی داده شود.

قرآن این موضوع را مضحکانه در سوره ق آیت ۳۷ طرح می نماید که: (آسمانها و زمین و آنچه را که در میان آنهاست در شش روز آفریدیم و خسته هم نشدیم) خوب این موضوع را در بخش اسلامی این نوشته بررسی خواهیم نمود.

ختم بخش سوم